

کدام گزینه صحیح است؟

برگرفته از سلسله سخنرانی‌های حضرت آیت الله مصباح یزدی



رسوله) اما روشن است که این انگیزه برای کسانی مطلوب است که ایمان و شناخت ضعیفی دارند. شاید شنیده یا خوانده‌اید که برخی از روشنفکران گفته‌اند: ما به خاطر جهنم و بهشت عبادت نمی‌کنیم، زیرا عبادت با انگیزه، برگرفته از اخلاق سودگرایانه است!!

علت این که این افراد برای بهشت و جهنم عبادت نمی‌کنند، برای این است که اعتقادی به بهشت و جهنم ندارند. این هنر نیست که انسان چون از خدا نمی‌ترسد و اعتقادی به خدا ندارد، خدا را عبادت نمی‌کند. زمانی عبادت ارزش دارد که فرد بداند بهشت و جهنمی هست، اما تلاش می‌کند به انگیزه‌ی بالاتری دست پیدا کند.

ج) عبادت آزادگان (احرار)

این‌ها کسانی هستند که از ترس عذاب و طمع به بهشت آزادند، یعنی حاضرند سختی‌ها و عذاب‌های آخرت را هم اگر خدا راضی باشد، تحمل کنند. امام سجّاد (علیه السلام) در یکی از دعاها صحیفه می‌فرماید: «اگر من در این دنیا هفتاد بار یا سخت‌ترین شکنجه‌های ممکن کشته شوم، اما تو راضی باشی، من این را دوست دارم.» البته بر زبان آوردن این سخن آسان است ولی پای‌بندی به آن از توان هر کسی ساخته نیست.

امام علی (علیه السلام) نیز در مناجات خود با خداوند متعال، در دعای کمیل می‌فرماید:

«وهبنی یا الهی وسیدی و مولای و ربی صبراً علی عذاب کفیف اصبر علی فراقک»

خدایا گیرم که بر عذاب‌های دنیا بتوانم صبر کنم، عذاب آخرت قابل مقایسه با این نوع عذاب‌ها نیست. یک لحظه‌اش از یک عمر عذاب دنیا سخت‌تر است. فرض کن آن را نیز بتوانم تحمل کنم، دوری و فراق تو را نمی‌توانم تحمل کنم. ما که متأسفانه معنای فراق و وصال را نمی‌توانیم درک نمی‌کنیم.

اختلاف مراتب عبادت عاشقانه

این نوع عبادت دارای مراتبی است و خود این مراتب نیز یکسان نیست. امام صادق (علیه السلام) فرمود: «من به خاطر شکر نعمت‌های خداوند، او را عبادت می‌کنم.» یعنی اگر در جهنم بسته شود و بهشتی هم در کار نباشد، من به خاطر حق‌شناسی و شکر نعمت‌های خدا، عبادت را ترک نمی‌کنم. اگر این حالت در انسان قوی باشد، باعث می‌شود که انسان بتواند، از خیلی نعمت‌های بهشتی هم چشم‌پوشی کند. چنین افرادی همه‌ی سختی‌ها را به جان می‌خرند و تنها چیزی که آنان را خوشحال می‌کند، این است که احساس کنند، محبوبشان از این عمل خشنود است. اگر چنین چیزی را چشیدیم، آن وقت می‌فهمیم امیرالمؤمنین چه دردی داشت که می‌گفت: اگر عذاب‌های جهنم را هم تحمل کنم، بر فراق تو نمی‌توانم شکایت کنم.

تعبیر دیگری از امیرالمؤمنین (علیه السلام) است که در مقام مناجات عرض می‌کند: «الهی ما عبدتک خوفاً من نارك و لا طمعاً فی جنتک و لکنی و جدتک اهلاً للعبادة فعبدتک» من به خاطر ترس از عذاب عبادت نکردم، برای امید به ثواب به عبادت نکردم، بلکه تو را اهل عبادت یافتیم و پرستیدیم. تو را نپرستم، چه کسی را بپرستم؟ به تودل نبندم، به چه کسی دل ببندم؟ این‌ها مفاهیمی است که متناسب با فهم مخاطبین گفته شده است.

پرستش و احترام خداوند این کار را انجام می‌دهد، ولی هدف اصلی او این است که با این نماز به یک نفع دنیوی برسد، چنین عبادتی باطل است. اگر کسی با تجربه‌ی شخصی یا از گفتار دیگران به این باور رسیده است که خداوند به کسانی که نماز می‌خوانند، روزی فراوان می‌دهد، یا آنان را از بلاها نگاه می‌دارد و این انگیزه باعث روی آوردن او به عبادت می‌شود، گرچه ممکن است این عبادت را در خلوت، جایی که هیچ کس او را نبیند انجام دهد و قصدش هم کرنش کردن در پیشگاه الهی باشد، اما محرک اصلی تنها یک نفع دنیایی است. چنین عبادتی با این انگیزه، باطل است.

ب) دست‌یابی به منافع اخروی

گاهی انگیزه‌ی فرد از عبادت، رسیدن به نفع اخروی است. این انگیزه خود به دو نوع تقسیم می‌شود:

۱) ترس از عذاب

گاهی ترس از عذاب، عامل روی آوردن به عبادت می‌شود. از آن‌جا که شخص می‌داند خدا بی‌نمازها را به جهنم می‌برد، نماز می‌خواند، به گونه‌ای که اگر خداوند جهنم را درست نکرده بود، نماز نمی‌خواند. آیا چنین عبادتی درست است؟

۲) رسیدن به نعمت‌های بهشت

گاهی شخص به امید رفتن به بهشت و برخورداری از نعمت‌های غیر قابل وصف آن، عبادت می‌کند. اگر عبادت نکند از آن نعمت‌ها محروم می‌شود. آیا انجام عبادت به این انگیزه درست است؟ آیا این عبادت را می‌توان عبادتی خالصانه دانست؟ مؤمنینی که معرفتشان ضعیف است، اگر انگیزه‌هایی برای دریافت پاداشی از خدا یا محفوظ ماندن از عذاب و غضب خدا انجام دهند، نمازشان قبول است و خدا هم به وعده‌ای که داده است، عمل خواهد کرد، اما این عبادت با عبادت اولیای خدا که به نعمت‌های دنیا و نعمت‌های آخرت توجهی ندارند، بسیار متفاوت است.

انواع عبادت

پیشوایان دین، عبادت عبادت‌کنندگان را به سه دسته تقسیم نموده‌اند:

الف) عبادت بردگان

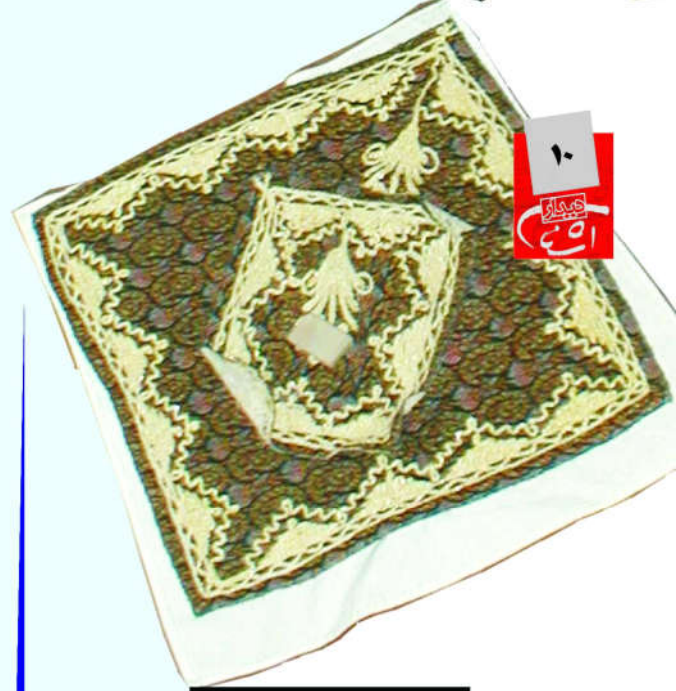
این عده همانند برده‌ای که از چوب اربابش می‌ترسد و تن به کار می‌دهد، از ترس جهنم و عذاب خداوند عبادت می‌کنند. البته این که انسان برده باشد، بهتر از این است که طاغی باشد، ولی این مرحله در مقایسه با عبادت احرار در سطح پایینی است.

ب) عبادت بازرگانان

گروهی نیز به انگیزه‌ی داد و ستد و دست‌یابی به ثواب، عبادت می‌کنند و همانند بازاریان اهل معامله هستند. یعنی چیزی می‌دهند و چیزی می‌گیرند و هدفشان به دست آوردن سود بیش‌تر است. چنین افرادی به نماز، روزه، حج و... می‌آوردند، چون می‌دانند در مقابل این کارها صدها برابر پاداش دریافت می‌کنند. چه سودایی بالاتر از این؟

اگر انگیزه‌ی عبادت بندگان ترس از عذاب، یا امید به ثواب و بهشت باشد، افزون بر این که ناروا نیست، مورد تأیید قرآن نیز هست. قرآن برای تشویق مردم به کار خیر می‌فرماید:

بِیَايِدٍ بَا خَدَاوٰنَد تِجَارَتِ کِنِید (قل هل ادلکم علی تجارةٍ تنجیکم من عذاب الیم تؤمنون بالله و



انگیزه‌های مختلف در عبادت

الف) دست‌یابی به منافع دنیوی

کسانی که مثل منافقین عبادت را تنها به خاطر نتایج دنیوی آن انجام می‌دهند، تا با آنان همانند یک مسلمان رفتار شود، احکام مسلمانان را داشته باشند، جان و مالشان محفوظ بماند، از مسلمانان ارث ببرند، بتوانند با مسلمانان ازدواج کنند و با مسجد در ارتباط باشند، عبادت چنین افرادی با این انگیزه، باطل است. چنین افرادی اگر می‌دانستند جان و مالشان محفوظ است، هیچ‌گاه نماز نمی‌خواندند. این افراد کارهایی که انجام می‌دهند، یا به خاطر به دست آوردن سود، یا به انگیزه‌ی دور شدن از ضرر است.

اگر کسی نماز می‌خواند، واقعاً هم به انگیزه‌ی